

اخلاق در زندگی کنونی و شرایط اخلاقی پیشرفت و اعتلای علوم انسانی

رضا داوری اردکانی

امروز می بایست در نسبت میان علم و اخلاق تأمل کرد. احساس این نیاز یک حادثه مهم در تاریخ تفکر معاصر است. این نسبت را از وجهه نظرهای مختلف می توان بررسی کرد :

۱- علم بصورتی که در مکتوبات و گزارش های پژوهشی آمده ربطی به اخلاق ندارد. زبان علم و احکام علمی همه از سنخ احکام خبری است و می توان آنها را تصدیق یا تکذیب کرد اما احکام اخلاقی احکام انشائی است و به صفت درست یا نادرست متصف نمی شوند، بنابراین نمی توان بر مبنای علم یک سیستم و نظام اخلاقی بنا کرد.

۲- علم تابع روش است و روش قواعد و دستورهایی است که پژوهشگر برای رسیدن به نتیجه از آن پیروی می کند. اما دستورها و روش علمی، خبری نیستند. پژوهشگر در راهی که می پیماید باید صبور، امین، رازدار و مستعد قبول هر نتیجه ای باشد. یعنی پژوهشگر خدمتگزار حقیقت است و برای آن تلاش می کند. آیا این خدمت و تلاش اخلاقی نیست؟ شخص اخلاقی وابسته و تابع والاترین ارزشهاست و برای تحقق آن تلاش می کند. کار دانشمند از آن جهت که ناظر به حقیقت و برای وصول به آنست حتی اگر یک فعل اخلاقی به معنی متداول لفظ به حساب نیاید واجد شأن و ارزش اخلاقی است.

۳- دانشمند اخلاق خاص خود دارد و نمی تواند بر خلاف رسوم و قواعدی که برای پژوهش علمی مقرر شده است عمل کند. قواعد و قوانین علم، سخت و انعطاف ناپذیر است و کسانی که با دانش سروکار پیوسته ندارند حق دخالت در کار علم را ندارند و باید در برابر آن خاضع باشند. علم از این جهت نوعی زهد است. اما از سوی دیگر علم قدرت است و با آن جهان مسخر می شود و عالمی قوام می یابد که سازمان و نظامی خاص دارد و اخلاق آن نیز نمی تواند مستقل از نظام علمی - تکنیکی باشد.

در مجموع باید در سخنانی که در باب علم و اخلاق تاکنون گفته اند تأمل ها کرد. مهم اینست: ما یکبار دیگر بجد بصرافت افتاده ایم که درباره نسبت میان علم و اخلاق بیندیشیم.